



مبحث تست ۱ تا ۵۰: درس ۹ تا ۱۸ / تست ۵۱ تا ۱۰۰ درس ۱۰ تا ۱۸

دیر

درس قرابت مفهومی فارسی دهم

نام و نام خانوادگی

۱ مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) بیداری حیات شود منتهی به مرگ آرامش است عاقبت اضطراب‌ها
- (۲) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد
- (۳) نی کارولن برفت و تو خواهی مقیم بود ترتیب کرده‌اند تو را نیز محملی
- (۴) این چرخ ستمگر جفاکوش کی نوبت کس کند فراموش؟

۲ به ترتیب کدام ابیات از ابیات زیر با دو عبارت "الدهرُ یومان یومٌ لکَ و یومٌ علیکَ" و (کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ) قرابت معنایی دارند؟

- الف. در گیتی ای شگفت کران داشت هرچه داشت چون بنگرم عجایب گیتی کران نداشت
- ب. چنین است رسم سرای سپنج گهی نوش بار آورد گاه رنج
- ج. همه مرگ راییم شاه و سپاه اگر دیر مانیم اگر چند گاه
- د. گرید همی نیاز جهان از عطای تو خندد همی عطای تو بر گنج شایگان

(۱) الف، د (۲) الف، ج

(۳) ب، د (۴) ب، ج

۳ بیت کدام گزینه با عبارت "کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ" ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) فلاطون چو در رفتن آمد چه گفت که ما نیز در خاک خواهیم خفت
- (۲) چو زادن از برای مرگ آمد که را این زیستن پر برگ آمد؟
- (۳) اگر صد چون تو هر روزی بمیرد زمین گردی، فلک سوزی نگیرد
- (۴) چو دارد هرکه زاد او مرگ از پس سخن زو چیست آنا لله و بس

۴ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی بیشتری دارد؟

"تا تو را جای شد ای سرو رولن در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود"

- (۱) شاه‌نشین چشم من تکیه‌گه خیال توست جای دعاست شاه من بی تو مباد جای تو
- (۲) از در درآمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم
- (۳) کار من این است که کاریم نیست عاشقم از عشق تو عاریم نیست
- (۴) صنما سپاه عشقت به حصار دل درآمد بگذر بدین حوالی که جهان به هم برآمد

۵ همه ابیات به اعتقادی عامیانه اشاره دارند به جز:

- (۱) هر آن کس را که باشد راهبر بوم نبیند جز که ویرانی بر و بوم
- (۲) هر آن بوم کز رنج ویران شده است ز بیدادی شاه ایران شده است
- (۳) دو سه ویرانه در این شهر مراست چون نیم جغد به ویران چه کنم؟
- (۴) یاد آیدم احوال دل سینۀ ویران هر که شنوم نالۀ جغدی ز خرابی

- ۱) گهی از خنده گاهی از تغافل می‌بری دل را / دقایق‌های ناز دلبری فهمیدنت نازم
- ۲) آزاده کس نگفت تو را تا که خاطرت / گاهی اسیر آرزو و گهی بسته هواست
- ۳) به چشمم در غم آن نرگس شنگ / جهان گاهی سیه باشد گهی تنگ
- ۴) زمانه به یکسان ندارد درنگ / گهی شهد و نوش است و گاهی شرنگ

مفهوم همهٔ گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ با شعر زیر قرابت دارد.
 "هرچند، کلام از تو وزن می‌گیرد / وسعتِ تو را، چگونه در سخن تنگ‌مایه گنجانم؟ / تو را در کدام نقطه باید به پایان برد؟"

- ۱) افا دل سودازده در مدت عمر / جز وصف جمال تو نه گفت و نه شنید
- ۲) نه سرو توان گفت و نه خورشید و نه ماه / آه از تو که در وصف نمی‌آیی آه
- ۳) در وصف جمالش همه را ناطقه لال است / اینجاست که تقریر زبان هیچ ندادند
- ۴) ز وصف حُسن تو حافظ چگونه نطق زند؟ / که همچو صنع خدایی ورای ادراکی

مفهوم بیت زیر در همهٔ ابیات دیده می‌شود، به جز:
 "به داد و دهش گیتی آباد دار / دل زیردستان خود شاد دار"

- ۱) رخنه در ملک شاهی آرد ظلم / در ممالک تباهی آرد ظلم
- ۲) از تو گر دیده‌ای پرآب شود / ملکت از سیل آن خراب شود
- ۳) ای تو را حق داد جان ناشکیب / تو ز سرّ ملک و دین داری نصیب
- ۴) چو خشنود داری جهان را به داد / توانگر بمانی و از داد، شاد

مفهوم بیت زیر در همهٔ ابیات دیده می‌شود، به جز:
 "ای چشم عقل، خیره در اوصاف روی تو / چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی"

- ۱) سعدی بس ازین سخن که وصفش / دامن ندهد به دست ادراک
- ۲) عقل را گنه (نهایت) جمالت متصور نشود / زانکه حُسن تو ز ادراک خرد بیرون است
- ۳) ای دیدهٔ ادراک تو از منظر امروز / ناظر شده بر کارگه عالم فردا!
- ۴) کجا وصف تو داند کرد ادراک / که عاجز اوفتاد اندر کف خاک

کدام بیت، با مفهوم شعر زیر کاملاً تناسب دارد؟
 "هنگام که همتا بآفتاب / به خانهٔ یتیمکان بیوه‌زنی تابیدی / و صولت حیدری را / دست‌مایهٔ شادی کودکانه‌شان کردی / و از آن دهان که هُزای شیر می‌خروشد / کلمات کودکانه تراوید / آیا تاریخ، بر در سرای / به تحیر / خشک و لرزان نمانده بود؟"

- ۱) از صولت او در دل دریا فتد آسیب / وز هیبت او در تن کوه افتد زلزال
- ۲) مهر تو ز بهشت دارد قدر / خشم تو صولت سقر (جهنم) دارد
- ۳) گر مهر و رحمت او اندر میان نبودی / بسیار سوختی دل، بسیار ریختی خون
- ۴) ای که چرخ از صولت قهر تو دارد ارتعاش / ای که دهر از هیبت تیغ تو دارد اضطراب

ابیات کدام گزینه با قطعهٔ "مور، چه می‌داند که بر دیوارهٔ اهرام قدم می‌گذارد / یا بر خشتی خام" هم‌مفهوم است؟

- ۱) هر آنچه در مکان و در زمان است / ز یک استاد و از یک کارخانه است
 کواکب گر همه اهل کمالند / چرا هر لحظه در نقص و وبالند؟
- ۲) هر جان که در ره آمد لاف یقین بسی زد / لیکن نصیب جان زن پندار یا گمانست
 اندیشه کن تو با خود تا در دو گون (جهان) هرگز / یک قطره آب تیره دریا کجا بدانست؟
- ۳) در بطن پشه پیل تواند شدن مقیم / گنجد اگر سکون تو در ساحت مکان
 دریا درون قطره تواند گرفت جا / گر جا کند جلال تو در جوف آسمان
- ۴) تو آن‌کسی که تو را مثل نافرید ایزد / تو آن‌کسی که تو را شبه ناورید اختر
 اگر ز آتش خشم تو بدسگال تو را / به آب عفو تو حاجت بود عجب مشمر

- (۱) مخور غم تا توانی باده خور شاد
- (۲) صاف فلک مجوی که درد است در عقب
- (۳) هردم به یاد آن لب میگون و چشم مست
- (۴) چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی؟
- (۱) مبدا کز سرت مویی برد باد
- (۲) نوش جهان منوش که نیش است در میان
- (۳) از خلوتم به خانه خمار می‌کشی
- (۴) تو صنم نمی‌گذاری که مرا نماز باشد

مفهوم کدام گزینه با بیت زیر مخالف است؟

"خدمت حق کن به هر مقام که باشی"

خدمت مخلوق افتخار ندارد

- (۱) هر آن کمر که نه از بهر خدمت بندند
- (۲) گفتم ثواب خدمت او چیست خلق را؟
- (۳) خدمتی می‌کن برای کردگار
- (۴) عبادت به جز خدمت خلق نیست
- (۱) به مذهب عقلا باشد آن کمر زَنار
- (۲) گفت این جهان هوای دل و آن جهان جنان
- (۳) با قبول و ردّ خلقت چه کار؟
- (۴) به تسبیح و سجّاده و دلق نیست

کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی مشخص‌تری دارد؟

"خدای یوسف صدیق را عزیز نکرد"

به خوب‌رویی، لیکن به خوب‌کرداری"

- (۱) چو کار با لحد افتاد هر دو یکسانند
- (۲) گرت به شب نبدی سر بر آستانه حق
- (۳) شکوه و لشکر و جاه و جمال و مالت هست ولی به کار نیاید به جز نکوکاری
- (۴) کف عطای تو گر نیست ابر رحمت حق
- (۱) بزرگ‌تر ملک و کمترین بازار
- (۲) کیت به روز میسر شدی جهان‌داری؟
- (۳) چه نعمت است که بر بَر و بحر می‌باری؟

مفهوم کدام بیت از بیت زیر دورتر است؟

"آن را که چنین دردی از پای دراندازد"

باید که فروشوید دست از همه درمان‌ها"

- (۱) دردم از یار است و درمان نیز هم
- (۲) دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست
- (۳) دی گفت طبیب از سر حسرت چو مرا دید
- (۴) دواى درد عاشق را کسی کو سهل پندارد
- (۱) دل فدای او شد و جان نیز هم
- (۲) گر دردمند عشق بنالد غریب نیست
- (۳) هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت
- (۴) ز فکر آنان که در تدبیر درمانند درمانند

بیت کدام گزینه با بیت "هر تیر که در کیش است، گر بر دل ریش آید

ما نیز یکی باشیم، از جمله قربان‌ها" قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- (۱) مصلحت این است کز رویش نپوشم چشم شوق
- (۲) گیرم به خون دیده نویسم رساله را
- (۳) من ار محبوب خود را می‌پرستم، دم من واعظ
- (۴) من و سودای غمت گر همه جان در خطر است
- (۱) کز جهان پوشید چشم مصلحت‌بین مرا
- (۲) کس را در آن حریم چه حد رسالت است
- (۳) که از کفر محبت اولیا جستند ایمان را
- (۴) من و خاک قدمت گر همه خون در هدر است

مفهوم کدام بیت با جمله زیر یکسان است؟

"در مقابله جفا، وفا کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد."

- (۱) گر از سلطان طمع کردم خطا بود
- (۲) جفا کردی جفا دیدی جفا را
- (۳) وفا نمودم و پاداش آن جفا دیدم
- (۴) با جفاجوی وفا کن که ز جورش برهی
- (۱) ور از دلبر وفا جستم، جفا کرد
- (۲) وفا کن تا وفا بینی وفا را
- (۳) که گفت نخل محبت ثمر نمی‌بندد
- (۴) بهر بدخوی نباشد حجری (سنگی) بهتر از این

بیت "تا خار غم عشقت آویخته در دامن کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها" با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- ۱) به وفای تو کز آن روز که دل‌بند منی دل نبستم به وفای کس و در نگشایم
- ۲) دوستان گویند سعدی دل چرا دادی به عشق تا میان خلق کم کردی وقار خویش را
- ۳) ز دست عشق تو هرجا که می‌روم دستی نهاده بر سر و خاری شکسته در پایی است
- ۴) ای بادیۀ هجران تا عشق حرم باشد عشاق نیندیشند از خار مغلانات

کدام بیت با بیت "گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها" قرابت معنایی دارد؟

- ۱) چه سست‌مهر طبیبی که درد خواجه را دوا تواند و زان ناتوان نیندیشد
- ۲) هرکه خاطر به کسی داد چه بیمش ز خطر کان (که آن) که رفت از پی خاطر ز خطر نندیشد
- ۳) دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می‌چکد
- ۴) ساربان خیمه برون می‌زد و اینم عجب است که قیامت نشد آن روز که محل می‌شد

مفهوم کلی کدام بیت نادرست است؟

- ۱) خدمت حق کن به هر مقام که باشی خدمت مخلوق افتخار ندارد (اخلاص)
- ۲) گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقش می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها (جاودانگی عشق)
- ۳) چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد (ناپایداری ظلم)
- ۴) خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین پرورده کنار رسول خدا، حسین (عظمت واقعه عاشورا)

مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دورتر است؟

- ۱) بحری است بحر عشق که هیچش کناره نیست آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست
- ۲) اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند
- ۳) در عاشقی گریز نباشد ز ساز و سوز استاد‌ام چو شمع مترسان ز آتش
- ۴) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بر دل شیدا نهم داغ شکیبایی و صبر سینه گر نتوانمت بر سینه سیمین نهاد
- ۲) چون تو را میل و مرا از تو شکیبایی نیست صبر خواهیم که کنم لیک توانایی نیست
- ۳) گفتمی که شکیا شو تا که نوبت وصل آید تو پیش نظر وانگه امکان شکیبایی
- ۴) کنون چنان‌که همی‌بایدت بکش، ای دوست که عقل و صبر مرا دست اختیار بماند

مفهوم مقابل عبارت "الصبر مفتاح الفرج" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) رفتی و مرا ماندی در کنج شکیبایی ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
- ۲) راست گفتمی که فرج یابی اگر صبر کنی صبر نیک است کسی را که شکیبایی هست
- ۳) صبر می‌زد لاف چون طوفان غم بالا گرفت عاجزی شد زانکه کشتی درخور طوفان نداشت
- ۴) می‌کند بی تو شکیبایی یعقوب، کمال که جمیلی تو و صبر از تو بود صبر جمیل

بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

"لَدَت داغ غمت بر دل ما باد حرام اگر از جور غم عشق تو دادی طلبیم"

- ۱) به شمشیر از سر کویش نرفتم به تدبیر از خم بندش نجستم
- ۲) تیغش جدا نسازد دستی که با تو دادم مرگش ز هم نبرد عهدی که با تو بستم
- ۳) زخم شمشیر غمت را نهم مرهم کس طشت رزینم و پیوند نگیرم به سریش
- ۴) با ناله در غم تو ز بس خو گرفته‌ام آسوده‌ام به ناله ناسودمند خویش

گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتا ز خوب‌رویان این کار کمتر آید"

- ۱) به خُلق و لطف توان کرد صید اهل نظر
 - ۲) جز این‌قدر نتوان گفت در جمال تو عیب
 - ۳) به حسن و خُلق و وفا کس به یار ما نرسد
 - ۴) چو با حبیب نشینی و باده پیمایی
- به بند و دام نگیرند مرغ دانا را
که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد
به یاد دار محبان بادپیما را

"ای درویش، ما موشی در حقه به تو دادیم، تو پنهان نتوانستی داشت؛ سَرِ خدای را با تو بگوییم؛ چگونه نگاه خواهی داشت؟"

- ۱) پیش دیوار آنچه گویی هوش دار
 - ۲) هرکه را اسرار حق آموختند
 - ۳) مگو آن سخن کاندر آن سود نیست
 - ۴) خامشی به که ضمیر دل خویش
- تا نباشد در پس دیوار گوش
مهر کردند و دهانش دوختند
کز آن آتش بهره جز دود نیست
با کسی گفتن و گفتن که مگوی

- ۱) حافظا چون غم و شادی جهان در گذر است
 - ۲) ز قدرت درگذر قدرت قضا راست
 - ۳) چون همه وضع جهان گذران در گذر است
 - ۴) سرای خانه گیتی که خانه دو در است
- بهتر آن است که من خاطر خود خوش دارم
تو فرمان رانی و فرمان خدا راست
مگذر از عالم شیدایی و شوریده‌سری
در او اساس اقامت منه که رهگذر است

"یک جو وفا ندیدم از روی خوب هرگز
دیدم تمام هرکس این دارد آن ندارد"

- ۱) مثال ای بلبل از بدعه‌دی گل
 - ۲) خوشم کز وفا بر در خوب‌رویان
 - ۳) خوب‌رویان جفاپیشه وفا نیز کنند
 - ۴) مخوان خوب را بی‌وفا کان خطاست
- که تا بوده است خوبی بی‌وفا بود
به‌غیر از گدایی شعاری ندارم
به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند
که خود پیش من حسن، حسن و فاست

گفتم زمانِ عشرت، دیدی که چون سرآمد
گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سرآید"

- ۱) ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن
 - ۲) عیشم مدام است از لعل دلخواه
 - ۳) چون سرآمد دولت شب‌های وصل
 - ۴) خموش حافظ و از جور یار شکوه مکن
- یا ز دیوان قضا خط امانی به من آر
کارم به کام است الحمدلله
بگذرد ایام هجران نیز هم
تو را که گفت که در روی خوب حیران باش

- ۱) لباس ظاهر و باطن به هم موافق کن
 - ۲) درون را بیارای همچون برون
 - ۳) ظاهر و باطن به همدیگر نکوست
 - ۴) از مهر دوستان ریاکار خوش‌تر است
- نه همچو دریا خونخوار و پاک‌دامن باش
و یا کن برون را به رنگ درون
هرکه دارد هر دو، با ما آشناست
دشنام دشمنی که چو آینه راست‌گوست

مفهوم عبارت زیر از سفرنامه ناصر خسرو در کدام موارد دیده می‌شود؟

"به شدتی که از روزگار پیش آید نباید نالید و از فضل و رحمت پروردگار ناامید نباید شد."

الف) نیست روشن گهر از سختی دوران، دلتنگ
ب) بیش از این سختی مکن، با کار دشوارم بساز

ج) با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت

ه) بسا محنت که دولت، آخر اوست

۱) د - ب

۲) د - ج

۳) ب - الف

۴) ج - ه

کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت زین و گهی زین به پشت

۱) چنین است رسم سرای کهن
سرش هیچ پیدا نبینی ز بن

۲) دیروز چنان بُدی که کس چون تو نبود
امروز چنان شدی که کس چون تو مباد

۳) چه جویی همی زین سرای سپنج
کز آغاز رنجست و فرجام رنج

۴) اگر دانی که دنیا غم نیرزد
به روی دوستان خوش باش و خرم

مفهوم کدام بیت از عبارت "این فصل بدان آوردم تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار پیش آید نباید نالید." دور است؟

۱) مرد آن است که در کشاکش دهر
سنگ زیرین آسیاب باشد

۲) پس از دشواری آسانی است ناچار
ولیکن آدمی را صبر باید

۳) سختی ایام نتواند مرا خاموش کرد
خنده‌ها چون کبک در کوه و کمر باشد مرا

۴) با تهیدستان ندارد سختی ایام کار
سرو بی‌حاصل ز سنگ کودکان آزاده است

مفهوم بیت "چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت زین و گهی زین به پشت" در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

۱) مرا ز بخت همی گل شکفتی از بر گل
به غیر خار نروید کنونم از بر خار

۲) آن روزگار کو که مرا یار، یار بود
دل بر کنار از این غم و او بر کنار بود

۳) شد اوج وصل بر من مسکین حسیض (یستی) هجر
دیشب سپهر بودم و امشب زمین شدم

۴) شب صحبت غنیمت دلن که بعد از روزگار ما
بسی گردش کند گردون، بسی لیل و نهار آرد

همة ابیات به‌جز بیت با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

"تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم."

۱) بر در او رو که از این‌ان به اوست
روزی از او خواه که روزی ده اوست

۲) هر که را بینی به گیتی روزی خود می‌خورد
گر ز خوان توست نانش ور ز خوان خویشتن

۳) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده گویی
به سوی عیب چون پویی گر او را غیب دل بینی

۴) دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر
که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود

مفهوم عبارت "به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر مدار." در کدام گزینه نیامده است؟

۱) همی پهلون بودم اندر جهان
یکی بود با آشکارم نهان

۲) دل اگر با زبان نباشد یار
هر چه گوید زبان بود بیکار

۳) خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده‌اند
ای من غلام آن‌که دلش با زبان یکی است

۴) دل چو درست است زبان را بهل
نام زبان از چه بری سوی دل

- ۱) چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به‌سوی دیده شد
- ۲) عیب یاران و دوستان هنر است سخن دشمنان نه معتبر است
- ۳) به منت دگران خو ممکن که در دو جهان رضای ایزد و انعام پادشاهت بس
- ۴) عالم شهر گو مرا وعظ مگو که نشنوم پیر محله گو مرا توبه مده که بشکنم

مفهوم همهٔ ابیات، به جز بیت با یکدیگر تناسب دارند.

- ۱) حکایتی ز دهانت به گوش جان من آمد دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
- ۲) مرا هوشی نماند از عشق و گوشی که پند هوشمندان کار بدم
- ۳) کلید گنج سعادت نصیحت سعدی‌ست اگر قبول کنی گوی بردی از میدان
- ۴) اگر مراد نصیحت‌کنان ما این است که ترک دوست بگویم تصویری‌ست محال

کدام بیت با مصراع "من گوش استماع ندارم لقن تقول" قرابت معنایی دارد؟

- ۱) واعظ ما بوی حق نشنید بشنو کاین سخن در حضورش نیز می‌گویم نه غیبت می‌کنم
- ۲) رموز مستی و رندی ز من بشنو نه از واعظ که با جام و قدح هر دم ندیم ماه و پروینم
- ۳) خوش آن‌که در صباوت (طفولیت) قدر پدر شناخت شاد آن‌که در جوانی پند پدر شنید
- ۴) اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت‌گو سخن به خاک می‌فکن چراکه من مستم

کدام بیت زیر با بیت "کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی‌بردش تا به‌سوی دانه و دام" متناسب است؟

- ۱) دام و قفس مگر ز دل من برآورد خاری که می‌خلد به دل از آشیان مرا
- ۲) مار و مرغ آری چو سنگ و دام را درخور شوند مار بیرون آید از سوراخ و مرغ از آشیان
- ۳) تو کز اندیشهٔ دام و قفس بر خویش می‌لرزی به کنج آشیان بنشین گره بر بال‌وپر می‌زن
- ۴) چون به یاد آشیان مرغم صفیری سرکند دانه را سازد سپند و دام را مجمر کند

مفهوم بیت زیر، از کدام بیت دریافت می‌شود؟

"دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال"

- ۱) از دست تو مشت بر دهان خوردن خوش‌تر که به دست خویش نان خوردن
- ۲) خوشا وقت مجموع آن‌کس که اوست پس از مرگ دشمن در آغوش دوست
- ۳) کسی را که دانی که خصم تو اوست نه از عقل باشد گرفتن به دوست
- ۴) اگر خویش دشمن، شود دوستدار ز تلبیسش ایمن مشو زینهار

کدام بیت با عبارت زیر معنا و مفهوم یکسانی دارد؟

"هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مشمر."

- ۱) ز تو در هر نفسی کاسته می‌گردد غم خود خور، چه خوری انده بیش و کم
- ۲) چرا خورم غم دنیا به این دوروزه اقامت؟ چو بازگشت به این منزل خراب ندارم
- ۳) شادی ندارد آن‌که ندارد به دل غمی آن را که نیست عالم غم نیست عالمی
- ۴) ز غم مباش غمین و مشو ز شادی شاد که شادی و غم گیتی نمی‌کنند دوام

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) ز خاک، یک سر و گردن، به ذوق تیر قضا اگر ز اهل دلی چون نشانه بیرون آی
- ۲) گنجشک را که دانهٔ روزی تمام شد از پیش باز، بازنیاید به آشیان
- ۳) چو شاهین قضا را تیز شد چنگ نه از صلحت رسد سودی نه از جنگ
- ۴) تو نیز همچو من آخر شکسته خواهی شد حصاریان (زندانیان) قضا را ره فراری نیست

- ۱) داد خواهیم، اگر بخواهی داد
- ۲) کاری که کنی به فال نیکو کن
- ۳) روی و ریا را مکن آیین خویش
- ۴) گر به یک جو می‌توانی داد ده

- ۱) بری دلن از افعال چرخ برین را
- ۲) هرکجا تدبیر، می‌چیند بساط مصلحت
- ۳) نوشته، جاودان دیگر نگردد
- ۴) قضا چون ز گردون فروهشت پر

- ۱) جفاپیشگان را بده سر به باد
- ۲) تو نیک و بد خود هم از خود بیرس
- ۳) تمام کارهای ما نمی‌بودند بیهوده
- ۴) جور و بیداد کند عمر جوانان کوتاه

- ۱) نیافرید خدایت به خلق حاجتمند
- ۲) خردمند طبعان منت‌شناس
- ۳) به جز شکر نعمت نگیرد که شکر
- ۴) نعمت آن راست زیادت که همه شکر کند

"در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری"

- ۱) درخت تو گر بار دانش بگیرد
- ۲) گر درخور قدر همت سیمی نیست
- ۳) عاشق و معشوق چو ما در جهان
- ۴) غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

- ۱) حافظ افتادگی از دست مده زان که حسود
- ۲) تواضع گرچه محبوب است و فضل بی‌کران دارد
- ۳) تواضع سر رفعت افرازدت
- ۴) گمان کی برد مردم هوشمند

"در ئن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟"

- ۱) با بدان کم نشین که بد مانی
- ۲) یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد؟
- ۳) چون آفتاب اگر سر ما بگذرد ز چرخ
- ۴) بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس

- ۱) تا به جایی رساندت که یکی از جهان و جهانیان بینی
- ۲) هر دو عالم یک فروغ روی اوست گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
- ۳) می‌کند باد صبا هر روز پیش از آفتاب مصحف خلق تو را از بوی گل تفسیرها
- ۴) دیدم گل و بستان‌ها، صحرا و بیابان‌ها او بود گلستان‌ها، صحرا همه او دیدم

کدام بیت بیانگر استعجاب دعاي شاعر باتوجه به بیت زیر است؟
 "قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا های خویش"

- ۱) شد حواس و نطق با پایان ما محو نور دانش سلطان ما
- ۲) علم اگر اندک بود، خوارش مدار زن که دارد علم، قدر بی‌شمار
- ۳) پیش دانا از همه علم‌ها بالاترست خویش را با دانش سرشار، نادان ساختن
- ۴) گر به جهل آییم، آن زندان اوست ور به علم آییم، آن ایوان اوست

مفهوم کدام بیت با عبارت زیر هماهنگ‌تر است؟
 "هر آفریده‌ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست."

- ۱) یار بی‌پرده از درودیوار در تجلی است یا اولی‌الابصار
- ۲) بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد
- ۳) تو را چنان‌که تویی هر نظر کجا ببند به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک
- ۴) چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست

کدام بیت با بیت "غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را" قرابت معنایی دارد؟

- ۱) بود روشن‌تر از خورشید تابان ولی منکر شدش از جهل نادان
- ۲) چون در تو نمی‌رسد فلک یک ذره چه سود ز گشتن فلک چندینی
- ۳) زن می‌خواهم بی‌خودی خویش که تو بی‌خود کنی آنگاه به خود راه دهی
- ۴) چون هرچه که داری تو سرش پیدا نیست قانع نشوم به هیچ هرگز از تو

کدام دو بیت با بیت "بی‌عنایات حق و خاصان حق گر ملک باشد سیاهستش ورق" قرابت معنایی دارد؟

- ۱) یارب تو مرا مدد کن از باری خویش خط بر گنهم کش از نکوکاری خویش
 گر برگیری دست کرم از سر من هرگز نرهم ز سرنگونساری خویش
- ۲) من بی‌تو نمی‌توانم کرد و احسان تو را شمار نتوانم کرد
 گر بر تن من زبان شود هر مویی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد
- ۳) جان‌ها چو ز شوق تو بسوزند همه از هستی خود دیده بدوزند همه
 در حضرت تو که آفتاب قدم است جان‌ها چو ستارگان به روزند همه
- ۴) کردم تک‌وپیوی بی‌عدد بسیاری وز گرد رخت نیافتم آثاری
 گیرم که تو را می‌نتوان دانستن با بنده بگو که کیستم من باری

کدام بیت با عبارت زیر تقابل معنایی دارد؟
 "برای من خواندن اینکه شن ساحل‌ها نرم است، کافی نیست، می‌خواهم پای برهنه‌ام این نرمی را حس کند."

- ۱) ز خولن وصل تو چون قانعم به دیداری تو نیز این‌قدر از میهمان دریغ مدار
- ۲) بیدل از جلوه قانعم به خیال چه توان کرد؟ نارساست نگاه
- ۳) ز رنگ و بوی جهان قانعم به بی‌برگی خزان گزیده‌ام از نوبهار می‌ترسم
- ۴) مرا به گوش تو باید حکایت از لب خویش دریغ باشد پیغام ما به دست رسول

- ۱) گر یکی از عشق برآرد خروش
بر سر آتش نه غریب است جوش
- ۲) بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش
می‌سوزم و می‌سازم و باد است به دستم
- ۳) قول مطبوع از درون سوزناک آید که عود
چون همی‌سوزد جهان از وی معطر می‌شود
- ۴) از نصیحت خشکی سودا نگردد برطرف
برنیارد آتش سوزان ز خامی عود را

مفهوم عبارت زیر در کدام بیت دیده می‌شود؟
"خدا در همه‌جا هست؛ در هر جا که به تصوّر درآید و "نایافتنی" است."

- ۱) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
- ۲) خلق را بستی ز عییم چشم و گوش
ای خدا عیب من از خود هم بپوش
- ۳) ای در میان جانم و جان از تو بی‌خبر
وز تو جهان پر است و جهان از تو بی‌خبر
- ۴) کف نیاز به درگاه بی‌نیاز برآر
که کار مرد خدا جز خدای‌خوانی نیست

مفهوم عبارت زیر به کدام بیت نزدیک‌تر است؟
"اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت‌تر از برخی جان‌های دیگر سوخته است."

- ۱) سینه در آتش دل در غم جانانه بسوخت
آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت
- ۲) در عشق می‌دهند به مقدار رنج، گنج
تا تن به زیر بار گران آورد کسی
- ۳) ارزش دل بیشتر آمد ز جان
آن بفروش این بستان رایگان
- ۴) همچنان که قدر تن از جان بود
قدر جان از پرتو جانان بود

مفهوم بیت زیر با کدام گزینه تناسب دارد؟
"بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو
کجا دیدی که بی‌آتش، کسی را بوی عود آمد"

- ۱) بس که بسوزد از غمش این دل سوزناک من
دود برآید از جگر ز آتش دل کباب را
- ۲) گناه من همه در دوستی همین‌که بر آتش
گرم چو عود بسوزد، گناه دوست نبینم
- ۳) کردم بر این قرار که یک شب به سوز دل
آهی کنم که در دلت ای جان اثر کند
- ۴) تا نگردد خانه زنبور، دل از زخم نیش
نیست ممکن در گلستان جهان نوشت دهند

تنها بیت گزینه با عبارت زیر قرابت معنایی ندارد.
"نیکوترین اندرز من این است: تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش گرفتن."

- ۱) جماعتی گذرند از پل صراط چو سیل
که بار خلق به گردن کشیده‌اند امروز
- ۲) تا فکندم بار خلق از دوش افتادم ز پای
کشتی من در گرانباری سبک‌رفتار بود
- ۳) هرکه بردارد به دوش از بردباری بار خلق
سینه چون کشتی به دریا بی‌محابا می‌زند
- ۴) باد مراد کشتی ما زور باده است
بر دوش خلق بار نگردد سیوی ما

باتوجه به عبارت زیر، مفهوم کدام بیت از بقیه دورتر است؟
"مزار فردوسی، شاعر، غرق در گل بود؛ ولی گور ستمگر غرق در خون بود."

- ۱) نیک و بد چون همی‌بباید مرد
خنک آن‌کس که گوی نیکی برد
- ۲) آه از این عشق ستم‌پیشه که با چندین سعی
دهن تیشه فرهاد به خون شیرین کرد
- ۳) از مکافات عمل غافل مشو
گندم از گندم بروید جو ز جو
- ۴) عاقبت بد به جزای عمل خود برسید
خار می‌کاشت از آن گل نتوانست درود

- ۱) مرا ز بهر چه بر دل بود غبار کسی که گرد خاطر هرکس ز رهگذار خود است
- ۲) از هیچ کس مرا گله‌ای نیست چون گهر کز آب خود شده است گره سخت‌تر مرا
- ۳) ولی شکایتی از دست روزگار خطاست که این مقدرم از ایزد قدیر آمد
- ۴) از خیال او چه نالم رفت چون کارم ز دست من به خون خویش پروردم بلای جان خویش

- ۱) گوهر نیک را ز عقد مریم و آن که بدگوهرست ازو بگیریز ۲) بدگوهر با کسی وفا نکند اصل بد در خطا خطا نکند
- ۳) به کوشش نروید گل از شاخ بید نه زنگی به گرما بگردد سپید ۴) هرکه ز آموختن ندارد ننگ در برآرد ز آب و لعل از سنگ

- "نقش کردم رخ زیبای تو در خانه دل خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند"
- ۱) چو مهر دوست بر دل تافت این ویرانه روشن شد سراسر مشعلی شد دل تمام خانه روشن شد
 - ۲) هرکسی ویرانه خود را عمارت می‌کند ما به تعمیر دل بی پا و سر ویران شدیم
 - ۳) شد دلم ویران ز سنگ انداز هجرانت، ولی شادمانم چون تو دائم گنج آن ویرانه‌ای
 - ۴) خانه هستیش از سیل فنا ویران باد هرکه از روی صفا خدمت می‌خانه نکرد

- ۱) سپهر عالی خواهد چو خاک پست شود بدین امید که روزی بیوسدت اقدام
- ۲) خدا کشتی آنجا که خواهد برد و گر ناخدا جامه بر تن درد
- ۳) خدا را یافتم در عرش اعظم نموده عکس او در جمله عالم
- ۴) محیط است علم ملک بر بسیط قیاس تو بر وی نگردد محیط

گفت اگر خیر است خیراندیش تو شری، جز شرت نیاید پیش

- ۱) آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست و آن کس که مرا گفت نکو، خود نیکوست
- ۲) هرکس که سرشت او به افعال نکوست آیین محبت و وفا دارد دوست
- ۳) داند آن کس که آشنای دل است که صفای خط از صفای دل است
- ۴) بی‌تب و تاب به مخمور شرابی نرسد تا به آتش نرود کوزه، به آبی نرسد

- ۱) من نه آنم که تراوش کند از من گله‌ای / می‌دهد خون جگر رنگ به بیرون، چه کنم
- ۲) بستر آرام پروانه است خواب روز شمع وای بر آن کس که بیدار است دائم یار او
- ۳) ز خط سبز افزون می‌شود بی‌تابی عاشق کجا در نوبهاران آید از دیوانه خودداری؟
- ۴) نیست حرف عشق را تأثیر در افسردگان بی‌نمک ماهی ز بحر شور می‌آید برون

- ۱) در این باغ از گل سرخ و گل زرد پشیمانی نخورد آن کس که بر خورد
- ۲) خلق اگر در تو خست ناگه خار تو گل خود از او دریغ مدار
- ۳) غنچه گلبن وصلم ز نسیمش بشکفت مرغ خوش‌خون، طرب از برگ گل سوری کرد
- ۴) هرکجا باغی، گل از خارش جدا بینی ولی کی به باغ ما گلی را دیدی از خاری جدا

- ۱) آنک او از پردهٔ تقلید جست او به نور حق ببیند آنچه هست
- ۲) تقلید نپذیرفتم و حجت ننهفتم زیراکه نشد حق به تقلید مشهر (آشکار)
- ۳) رخس امل از عرصهٔ تقلید برون ران تا خیمه زنی بر سر میدان حقایق
- ۴) تقلید چون عصاست به دست در این سفر وز فتره عصات شود تیغ ذوالفقار

مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) دشنام خلق را ندهم جز دعا، جواب ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم
- ۲) کم مباش از درخت سایه فکن هرکه سنگت زند، ثمر بخشش
- ۳) سزای بی‌ادبان را به من حواله کن که شست صاف و کمان کشیده‌ای دارم
- ۴) سفیه را به سفاقت جواب باز مده ز بی‌وفا به وفا انتقام باید کرد

مفهوم بیت زیر در همهٔ ابیات وجود دارد، به جز:

"چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست"

- ۱) طلب کردم ز دانایان یکی پند مرا گفتند با نادان مپیوند
- ۲) منشین با بدان که صحبت بد گرچه پاکی تو را پلید کند
- ۳) هرکه بدخو بود دم زادن هم بر آن است وقت جان دادن
- ۴) با فرومایه روزگار مبر کز نی بوریا شکر نخوری

مفهوم بیت زیر در کدام بیت دیده می‌شود؟

"صد هزاران این چنین اشباه بین فرقشان هفتادساله راه بین"

- ۱) چون قامت ما برای غرق است کوتاه و دراز چه فرق است؟
- ۲) نه چون موسی بود هرکس که عمرانش پدر باشد نه چون عیسی بود هرکس که باشد مادرش مریم
- ۳) غرض، گشودن قفل سعادت است به جهد چه فرق، گر زر سرخ و گر آهن است کلید
- ۴) چو دانا همچو نادان گشته غرق است ز دانش تا به نادانی چه فرق است؟

مفهوم بیت زیر در کدام بیت دیده می‌شود؟

"هر دو گون زنبور خوردند از محل لیک شد زن نیش و زین دیگر عسل"

- ۱) گریز نیست به زیر فلک ز شادی و غم به نوش و نیش مهیاست خانهٔ زنبور
- ۲) دلی خزینۀ گوهر شود که چون دریا هزار مَهر ز گرداب بر دهن دارد
- ۳) هم از نیش زنبور شد تلخ کام گر از شهد کس را دهانی خوش است
- ۴) از هزاران دل یکی را باشد استعداد عشق تا نگویی در صدف هر قطره‌ای گوهر شود

در کدام بیت زمینهٔ میهنی حماسه دیده می‌شود؟

- ۱) بجنبید رهام زان رزمگاه برون تاخت اسب از میان سپاه
- ۲) بزرگان ایران گشاده دل اند تو گویی که آهن همی بگسلند
- ۳) بدو داد شاه اختر کاویان بر آن‌سان که بودی به رسم کیان
- ۴) به رزم اندرون کشته شد اشکبوس وزو شادمان شد دل گیو و طوس

- ۱) وزن جایگه سوی دیو سپید بیامد به کردار تابنده شید
- ۲) وزن آب چون شد به‌جای نبرد پر اندیشه بودش دل و روی زرد
- ۳) بدو گفت رویین‌تن اسفندیار که ای برمنش (مغرور)، پیر ناسازگار
- ۴) چو سیمرغ را بچه شد گرسنه به پرواز بر شد دمان از بنه

معنی واژهٔ "میان" در کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) فرود آمد از دژ به کردار شیر کمر بر میان، بادپایی به زیر
- ۲) چو بر زین بیچید گردآفرید یکی تیغ تیز از میان برکشید
- ۳) تهمتن میان تاختن را ببست بر آن بارهٔ تیز تگ برنشست
- ۴) بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر میان دلیران به کردار شیر

مفهوم مصراع "خورد گاو نادان ز پهلوی خویش" در تمام بیت‌ها به‌جز دیده می‌شود.

- ۱) زمین لگد خورد از گاو و خر به علت آن که ساکن است نه مانند آسمان دوار
- ۲) دشمن طاووس آمد پز او ای بسی شه را بکشته فز او
- ۳) گفت من آن آهوم کز ناف من ریخت آن صیاد خون صاف من
- ۴) تو آسوده بر لشکر مانده، زن که نادان ستم کرد بر خویشتن

مفاهیم هر دو مصراع در تمام گزینه‌ها یکسان است جز گزینهٔ

- ۱) نباشی بس ایمن به بازوی خویش ز تلبیس ایمن مشو زینهار
- ۲) ملک آفرین‌گوی رزم شماسست فلک گفت احسنت و مه گفت زه
- ۳) با ددان آن به کم‌گیری ستیز چو سرینجه‌ات نیست شیری مکن
- ۴) دریا همه عمر خوابش آشفته است ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

مفهوم مثل "ز جنگ آشتی بی‌گمان بهتر است" در همهٔ ابیات هست، به‌جز:

- ۱) کنون لشکر و دژ به‌فرمان توسست نباید بر این آشتی، جنگ جست
- ۲) بر صلح و جنگ اهل جهان اعتماد نیست چون صلح می‌کنند مهتای جنگ باش
- ۳) کسی کاشتی جوید و سور و بزم نه نیکو بود پیش رفتن به رزم
- ۴) همی تا برآید به تدبیر کار مدارای دشمن به از کارزار

نوع ادبی کدام بیت حماسی نیست؟

- ۱) بُد از گور پردخته گرد دلیر همه خورده تنها و نابوده سیر
- ۲) چو دیدی کزان روی بسته‌ست در به بی‌حاصلی سعی چندین مبر
- ۳) درآمد چنان زد یکی را به تیغ کجا سرش چون ماغ بر شد به میغ
- ۴) پی مورچه بر پلاس سیاه بدیدی شب تیره صد میل راه

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) زمین کوه تا کوه پر خون کنیم ز دشمن بیابان چو جیحون کنیم
- ۲) از آن گر بگردیم و جنگ آوریم جهان بر دل خویش تنگ آوریم
- ۳) به خنجر دل دشمنان بشکنیم وگر کوه باشد، ز بن بر کنیم
- ۴) جهان بر بداندیش تنگ آوریم سر سرکشان زیر سنگ آوریم

در همهٔ ابیات به جز بیت به مفهوم ضرب المثل "خورد گاو نادان ز پهلوی خویش" اشاره شده است.

- ۱) به هندِ غُضه، مُنعم عاقبت محبوس می‌گردد پر طاووس آخر دشمن طاووس می‌گردد
- ۲) دین گرامی شد به دانا و به نادان خوار گشت پیش نادان دین چو پیش گاو باشد یاسمن
- ۳) حُسن را جلوه مده در نظر بی‌دردان جلوه آفت بود آن را که جمالی دارد
- ۴) صید لاغر دام با خود دارد از پهلوی خویش حاجت دام و کمندی نیست صیّاد را

زمینهٔ حماسه در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) بیامد بگسترد سیمرخ پر ندید اندرو هیچ آیین و فر
- ۲) به نام است سهراب گرد دلیر نه از دیو پیچد نه از پیل و شیر
- ۳) ز ششصد همانا فزون است سال که تا من جدا گشتم از پشت زال
- ۴) بدرّد جگرگاه دیو سپید ز شمشیر او گم کند راه شید

مفهوم بیت "تَهْمَن برآشفت و با طوس گفت" که رهام را جام باده است جفت" با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱) نبیند دو چشمم مگر گرد رزم حرام است بر من می و جام و بزم
- ۲) کسی را نبَد گرد رزم آرزوی به بزم و به ناز اندرون کرده خوی
- ۳) به فرزندگان گفت کاین دشت رزم به دل مر مرا چون خرام است و بزم
- ۴) بر آن‌گونه رفتند هر دو به رزم تو گفתי که اندر جهان نیست بزم

مفهوم بیت کدام گزینه از دیگر ابیات دور است؟

- ۱) اگر خواهی که پیش افتی به هر گام به ترک خود بپاید گفت ناکام
- ۲) ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر لطف شما پیش نهد گامی چند
- ۳) خواهی که مقام "لی مع الله" یابی گامی بنه از من و تویی پیش‌ترک
- ۴) ز منزل هوسات ار دو گام پیش نهی نزول در حرم کبریا توانی کرد

گزینهٔ بایبیت زیر نزدیکی مفهومی دارد.

"شما را چو باور به یزدان بود هم او مر شما را نگهبان بود"

- ۱) هلاک خویشتن می‌خواهد آن مور که خواهد پنجه کردن با عقابی
- ۲) گرد پاکی گر نگردي گرد خاکی هم مگرد مرد یزدان گر نباشی جفت اهریمن مباش
- ۳) نخواهم زمانه جز آن کاو نوشت چنان زیست باید که یزدان سرشت
- ۴) محال است اگر سر بر این در نهی که بازآیدت دستِ حاجت تهی

کدام بیت با عبارت زیر متناسب است؟

"کلمات، آن‌قدر قدرت داشتند که هم جان می‌دادند و هم جان می‌گرفتند و آنجا بود که معجزهٔ کلمه را فهمیدم."

- ۱) مستمع صاحب‌سخن را بر سر کار آورد غنچهٔ خاموش، بلبل را به گفتار آورد
- ۲) سبسد گل ادراک در سخن دارم بهار عاطفه است این غزل که من دارم
- ۳) عالمی را یک سخن ویران کند روبه‌ان مرده را شیران کند
- ۴) سخن بیرون مگوی از عشق سعدی سخن عشق است و دیگر قیل‌وقال است

مفهوم و تصویر کدام بیت با مفهوم و تصویر بیت زیر قرابت دارد؟
"مپندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من"

- ۱) تو مپندار که از خاک سر کوی تو من به جفای فلک و جور زمان برخیزم
- ۲) ز تربتم بگذر ای مسیح‌دم، زنهار کزین زیاده مرا تاب آرمیدن نیست
- ۳) بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر کز آتش درونم دود از کفن برآید
- ۴) گرچه خاکسترم و مصلحتم خاموشی است آتش‌افروزم و شرح شب هجران گویم

بیت کدام گزینه با آیه ۱۶۹ سوره آل عمران قرابت معنایی دارد؟
(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)

- ۱) خواست زن قتل‌عام، قرب خدای وای از این قرینه الی الله وای (قرب: نزدیکی)
- ۲) عشق عجب غازی‌ایست زنده شود زو شهید سر بنه ای جان پاک پیش چنین غازی‌ای (غازی: جنگجو)
- ۳) زنده است آن‌که در ره تو می‌شود شهید مرده است آن‌که بهر تو بسمل نمی‌شود (بسمل‌شدن: قربانی‌شدن)
- ۴) ماه‌ها باید که تا یک پنبه‌دانه ز آب‌و‌خاک شاهدهی را حله گردد یا شهیدی را کفن (حله: جامه نو)

کدام بیت با آیه (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) ارتباط بیشتری دارد؟

- ۱) تن از تعلق همچو سرو آزاد کردند چون لاله تن‌پوشی ز خون در بر گرفتند
- ۲) دمید از دل گل قطره‌های چون خورشید شکفت در افق خون گل ستاره، شهید
- ۳) پیش رویت قدسیان بر آستان دارند سر در مقام قرب حق مهمان جانانی، شهید
- ۴) جان بدهند و در زمان، زنده شوند عاشقان گر بکشی و بعدازآن، بر سر کشته بگذری

مفهوم بیت زیر به کدام بیت نزدیک‌تر است؟
"مپندار این شعله، افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من"

- ۱) عاقل داند که ناله زار از سوزش سینه‌ای برون نیست
- ۲) از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
- ۳) مرگ از محبت تو خلاص نمی‌کند در زیر خاک هم دل پای‌بست توست
- ۴) هرکه در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست سوخته داند که چیست پختن سودای خام

مفهوم بیت "تا زیر خاکی ای درخت تنومند مگسل از این آب‌و‌خاک، ریشه و پیوند" با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱) جانم نبود بی‌غم عشق تو یک‌زمان زیرا که عشق را دل عاشق بود وطن
- ۲) سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است کهن نتوان مُرد به خواری که من اینجا زادم
- ۳) تا آن دقیقه‌ای که نکرد استخوانم آب از سر هوای عشق وطن دست برداشت
- ۴) هزار بار خرد با تو بیش گفت که دل به حب این وطن عاریت نباید داد

مفهوم آیه شریفه (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱) شهید خنجر مزگان شاهدهی شده‌ام که زنده کشته خود را به زخم دیگر کرد
- ۲) نباشد عیب اگر گردم قتیل چشم خون‌خوار که هم روزی شهید آید به تیغ کافران غازی
- ۳) به مردن هم چه امکان است مزگانم به هم آید محبت خواب راحت برد چون خون شهید از من
- ۴) زخمی تیغ شهادت زنده می‌خیزد ز خاک همچو گل با جبهه پُر‌خنده می‌خیزد ز خاک

همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینه با عبارت "تو گویی اشیا گنجینه‌هایی از رازهای شگفت خلقت هستند، اما تو تابه‌حال در نمی‌یافته‌ای" تناسب معنایی دارد.

- ۱) جهان را سربه‌سر آینه‌ای دان به هریک ذره در صد مهر تابان
- ۲) درون حبه‌ای صد خرمن آمد جهانی در دل یک ارزن آمد
- ۳) برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار
- ۴) خرد هرکجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آن را کلید

مفهوم کدام بیت از عبارت زیر دورتر است؟
 "تو گویی اشیا گنجینه‌هایی از رازهای شگفت خلقت هستند، اما تو تابه‌حال در نمی‌یافته‌ای."

- ۱) اگر یک قطره را دل برشکافی برون آید از آن صد بحر صافی ۲) دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی
- ۳) درون حبه‌ای صد خرمن آمد جهانی در دل یک ارزن آمد ۴) اگر یک ذره را برگیری از جای خلل یابد همه عالم سرپای

مفهوم عبارت مشخص‌شده در همهٔ ابیات هست به‌جز:
 "گجا از مرگ می‌هراسد آن‌کس که به جاودانگی روح خویش در جوار رحمت حق آگاه است؟"

- ۱) این جان عاریت (قرضی) که به حافظ سپرد دوست روزی رُخش ببینم و تسلیم وی کنم
- ۲) بر فرش خاک تکیه زدن شرط عقل نیست چون تختگاه عالم جان متکای توست
- ۳) غافل از حق نشود روح به ویرانهٔ جسم سیل هرجا که بود روی به دریا دارد
- ۴) جان رفت در سر می و حافظ به عشق سوخت عیسی‌دمی کجاست که احیای ما کند؟

مفهوم آیهٔ (الا بذکر الله تطمئن القلوب) با کدام بیت قرابت ندارد؟

- ۱) نباشد دشمنی عالم بود دوست چو نفسی مطمئن شد عالم ازوست
- ۲) راندیم ز دل هرچه نه با یاد خدا بود پس در کنف سایهٔ وی جای گزیدیم
- ۳) کی دلم چون مرغ بسمل گیرد از مردن قرار عاشقان را در دل آرام از دلارام است و بس
- ۴) مطمئن می‌شود البته دل از یاد خدا بعدازاین جز ز توکل به خدا دم نزنم

مفهوم عبارت "خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است." در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) چرا چندین تو در بند خلاق شدستی دور و ماندستی ز خالق
- ۲) امید دستگیری دارد از مستغرق دریا به مخلوق آن‌که از خالق ز غفلت التجا (= پناه) گیرد
- ۳) دم درکشیده‌ایم و زبان درکشیده‌اند چون خالق آگه است چه باک از خلاق است
- ۴) گر تو ز ما فارغی، ما به تو مستظهریم ور تو ز ما بی‌نیاز ما به تو امیدوار

بیت‌های هم‌مفهوم با بیت "دریایم و نیست باکم از طوفان دریا همه عمر خوابش آشفته است" در کدام گزینه آمده است؟

- الف) دامن گره به دامن ساحل نمی‌زند
- ب) دریاست دهر کشتی خویش استوار دار
- پ) موج این دریا نجوید ساحل آرام را
- ت) پای همت در دل دریا نهم تا دُر شوم
- ث) آشفته و مستیم و بر گذرگاه سنگ و چه و دریا و کوهسار است

- ۱) الف، پ، ت ۲) ب، ت، ث
- ۳) الف، پ، ث ۴) پ، ت، ث